

چکیده‌ای از گزارش وزارت خارجه آمریکا دربارهٔ حقوق بشر در اسرائیل

در ماه فوریه ۲۰۰۱، گزارشی توسط وزارت خارجه آمریکا دربارهٔ وضعیت حقوق بشر در اسرائیل انتشار یافت که بعضی نکات مندرج در آن می‌تواند برای آگاه شدن از نظر وزارت خارجه آمریکا در مورد وضعیت حقوق بشر در اسرائیل، حایز اهمیت و توجه برانگیز باشد. در این گزارش - پس از تشریح وضع حاکمیت اسرائیل و اشاره به اینکه «اسرائیل، فاقد قانون اساسی است» - تاریخچه کوتاهی از چگونگی تاسیس اسرائیل آمده و بعد از ذکر مواردی که متعاقب برگزاری کنفرانس مادرید در سال ۱۹۹۱ موجب آغاز روند صلح میان اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین گردید به نکات گوناگون در مورد اسرائیل اشاره شده است. از جمله اینکه:

«... طی سال ۲۰۰۰، میانگین بیکاری در اسرائیل حدود ۹ درصد باقی ماند که البته این مقدار در مناطق حاشیه‌ای شهرها و در میان کارگران غیر ماهر، بسیار بیشتر بوده است. رشد اقتصادی اسرائیل نیز با افزایش نابرابر درآمد، همراهی داشته است و این نابرابری، عمدتاً به خاطر اختلاف سطح درآمد میان جامعه یهودیان و جامعهٔ اعراب بوده است. اکثر ساکنان ۱۴ شهر اسرائیل که بالاترین آمار بیکاری را در کشور دارند، از اعراب تشکیل شده‌اند. اتکای بیش از حد اقتصاد اسرائیل به نیروی کارگران خارجی - که عمدتاً از

کشورهای آسیایی و اروپای شرقی هستند. مهمترین عامل بروز مشکلات اجتماعی در جامعه اسرائیل بوده است. این کارگران که حدود ۶ درصد نیروی کار کشور را تشکیل می دهند، عمدتاً در بخش کشاورزی و صنایع عمرانی به کار مشغولند...»

«... دولت اسرائیل، مالکیت و اداره ۷۷ درصد زمینهای کشور را در دست دارد و سیاستش همواره بر این منوال بوده که از فروش زمین اجتناب کند. صندوق ملی یهود* که از سال ۱۸۹۷ با هدف خرید و اداره املاک برای یهودیها تأسیس شده، هم اکنون ۸ درصد زمینهای اسرائیل را در مالکیت خود دارد (که بخش اعظم این اراضی را دولت اسرائیل مستقیماً به صندوق ملی یهود انتقال داده است.) و علاوه بر آن، ۸ درصد از زمینهای اسرائیل را نیز به نیابت از طرف دولت اداره می کند. از زمینهای اسرائیل، ۷ درصد دیگر باقی می ماند که قابل فروش و اجاره دادن است و گرچه همه، حتی پیروان ادیان مختلف و اتباع خارجی اجازه دارند زمین مورد نیاز خود را از این مقدار - که تحت مالکیت دولت یا صندوق ملی یهود قرار ندارد- خریداری و یا اجاره کنند، لکن در ماه مارس ۲۰۰۰، دیوان عالی کشور اسرائیل اعلام کرد که آنچه تاکنون در مورد واگذاری زمینهای دولتی از طریق صندوق ملی یهود صورت می گرفته حالت تبعیض آمیز داشته است، زیرا این صندوق، طبق اساسنامه خود، اجازه نداشت زمینهایی را که در اختیارش بوده به غیر یهودیها بفروشد یا اجاره دهد...»

«... با اینکه دولت اسرائیل نشان داده که عموماً به مبانی حقوق بشر در مورد اتباع خود احترام می گذارد، اما سابقه عمل دولت اسرائیل نشان می دهد که رفتارش با اتباع غیریهودی خود، چنین نبوده است. از نظر تاریخی نیز مهمترین مسایل دولت اسرائیل در مورد نقض حقوق بشر، با سیاستگزاریها و اقداماتش در سرزمینهای اشغالی ارتباط داشته است. چنان که در ماه اکتبر ۱۹۹۹، پلیس اسرائیل برای پراکندن تظاهرکنندگان در شمال کشور (که مقارن با گسترش خشونت در اراضی اشغالی بود) متوسل به زور شد و طی آن، ۱۳ شهروند عرب را کشت و ۳۰۰ نفر دیگر را زخمی کرد. گزارشهای مستندی هم وجود دارد که نشان می دهد طی چند رویداد مختلف - وقتی شهروندان یهودی به خانه های

* Jewish National Fund

شهروندان عرب حمله بردند - پلیس اسرائیل برای حمایت از جان و مال شهروندان عرب هیچ قدمی برداشت....»

«... دیوان عالی کشور اسرائیل در ماه سپتامبر ۱۹۹۹، طی یک تصمیم تاریخی هرگونه شکنجه و عمل خشونت آمیز علیه شهروندان را ممنوع اعلام کرد. از جمله اینکه نمی بایست؛ متهمین را به دستگاههای لرزاننده متصل کرد؛ به وسیله پابند در وضعیت دردناک قرار داد؛ مانع از خوابیدن متهم به مدت طولانی شد؛ یا نباید کسی را مدتها در هوای داغ نگه داشت. اما دولت اسرائیل بلافاصله پس از خشونتهایی که در ماه سپتامبر رخ داد، صدها نفر را در نقاط مختلف کشور - از جمله در کرانه غربی رود اردن و نوار غزه - بدون دلیل بازداشت کرد و همراه آن نیز محدودیتهای شدیدی در مورد رفت و آمد مردم و حمل و نقل کالا بین کرانه غربی و نوار غزه با شهرهای اسرائیل برقرار کرد. بعد از آن با اینکه هیچ یک از سازمانهای غیر دولتی (NGO) داخلی و بین المللی، مدعی شکنجه زندانیان توسط مأموران امنیتی اسرائیل در بازداشتگاهها نشده اند، اما بسیاری ادعاهای مستند وجود داشته که از کتک خوردن بازداشتیها توسط پلیس حکایت می کرده است. شرایط بازداشتگاهها و زندانها - بخصوص در مورد فلسطینی هایی که اتهامات امنیتی داشته اند - به گونه ای بوده که این افراد به قدر کافی فضا، غذا و دسترسی به تسهیلات پزشکی نداشته اند...»

«... دولت اسرائیل، گامهای قابل توجهی در راه کاهش تبعیضهای سازمان یافته اجتماعی و قانونی علیه شهروندان مسیحی، مسلمان و دروز برداشته است و این اقلیتها که حدود ۲۰ درصد جمعیت اسرائیل را تشکیل می دهند به طور کلی در برخورداری از حقوقی که برای شهروندان یهودی مطرح است، سهم عمده ای ندارند. در این مورد باید به یک مسئله اجتماعی نیز اشاره کرد که مظهر آن، اجبار زنان به فاحشگی است که نوعی تجارت قاچاق در اسرائیل محسوب می شود...»

«... روز ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰، آریل شارون، رهبر حزب مخالف دولت ایهود باراک، از حرم شریف [مسجد الاقصی] در بیت المقدس دیدار کرد. فردای آن روز، گروه کثیری از فلسطینیها، تظاهرات وسیعی علیه این اقدام شارون به راه انداختند و طی آن به طرف

نیروهای پلیس که در جوار «دیوار ندبه» صف کشیده بودند، سنگ پراندند. پلیس برای پراکندن فلسطینی‌ها اقدام به تیراندازی با فشنگهای حقیقی و گلوله‌های پلاستیکی کرد که در اثر آن، دو فلسطینی کشته و حدود ۲۰۰ نفر نیز مجروح شدند. فلسطینیها در پاسخ به این اقدام، در نقاط مختلف اسرائیل و اراضی اشغالی، تظاهرات گوناگونی بر پا کردند. روز اول اکتبر نیز رهبران اعراب اسرائیلی همگان را به اعتصاب عمومی فرا خواندند که این دعوت با حمایت همه جانبه شهروندان عرب اسرائیل رو به رو شد و هزاران نفر از آنها در نقاط مختلف کشور دست به تظاهرات زدند. همان روز، پلیس اسرائیل با فشنگهای حقیقی و گلوله‌های پلاستیکی در منطقه ام‌الفحم به تظاهرکنندگان حمله کرد و پس از کشتن دو نفر و مجروح کردن صدها نفر توانست آنها را پراکنده سازد. روز دوم اکتبر، طی تظاهراتی که در چند شهر - از جمله شهر ناصره - صورت گرفت، پلیس، شش نفر را کشت و عده کثیری را مجروح کرد. روز سوم اکتبر هم با تیراندازی پلیس به سوی تظاهرکنندگان، سه نفر در شهر ناصره و کفرمندا کشته شدند...

... گزارشهای متعدد نشان می‌دهد که هرگاه یهودیان به شهروندان عرب حمله برده‌اند، پلیس اسرائیل در حفظ جان و مال اعراب ساکن اسرائیل قصور کرده است. به طور مثال، روز ۷ اکتبر، عده‌ای بالغ بر ۲۰۰ یهودی اسرائیلی به خانه‌های مردم عرب در قسمت شمالی شهر ناصره حمله بردند و یا روز ۸ اکتبر، حدود هزار یهودی اسرائیلی در همان شهر ناصره به خانه‌های اعراب هجوم آوردند (تا به دلیل ربودن سه سرباز ارتش اسرائیل خشم، خود را علیه حزب الله نشان دهند). در خلال این حمله‌ها، مردم عرب همواره ناچار بودند شخصاً از خانه و جان و مال خود دفاع کنند و آن طور که گزارش شده، پلیس اسرائیل خیلی دیر در ماجرا دخالت کرده و تقریباً جز اینکه خود را میان دو گروه به صورت حایل درآورد، کاری انجام نداده است. تازه اگر هم اقدامی کرده، شلیک گلوله‌های پلاستیکی و گاز اشک‌آور به طرف اعراب بوده است. در مورد این رویدادها، گزارش گروه‌های کارشناس حقوق بشر در داخل و خارج اسرائیل بر این امر تاکید دارد که پلیس اسرائیل، مقصر اصلی در قتل و جرح اعراب به حساب می‌آید. این در حالی است که بعضی از ساکنان شهر ناصره نیز گزارش داده‌اند که

بعضی از یهودیهای مهاجم را در حال حمل سلاح دیده‌اند. ضمناً باید گفت که طی سال ۲۰۰۰ به دلیل حملات افراد فلسطینی، تعداد ۲۲ اسرائیلی کشته و ۲۴۴ نفر مجروح شده‌اند. از جمله، روز اول نوامبر بر اثر انفجار یک اتومبیل بمب‌گذاری شده در بیت المقدس، ۲ اسرائیلی کشته و ۱۱ تن دیگر - شامل چهار کودک - مجروح شدند و نیز در روز ۲۲ نوامبر، انفجار اتومبیل دیگری در هدرام موجب کشته شدن سه اسرائیلی و مجروح شدن ۶۱ نفر گردید که جهاد اسلامی فلسطین مسئولیت هر دو انفجار را به عهده گرفت...

«... اوایل سال ۲۰۰۰، تعداد کل فلسطینیهایی که در زندانهای اسرائیل به سر می‌بردند به رقم ۱۳۵۴ نفر می‌رسید، ولی در پایان سال ۲۰۰۰، تعداد آنها به رقم ۱۸۳۲ نفر بالغ شد. روز اول ماه مه، زندانیان فلسطینی در سراسر کشور دست به اعتصاب غذا زدند تا به این ترتیب، مراتب اعتراض خود را نسبت به شرایط حاکم بر زندان نشان دهند. به دنبال مذاکراتی که با مقامهای فلسطینی صورت گرفت، زندانیان مزبور موافقت کردند در روز ۳۱ مه به اعتصاب غذای خود خاتمه دهند و در مقابل، دولت اسرائیل نیز تعهد کرد کسی را به زندان انفرادی نیندازد و به بستگانشان اجازه ملاقات معاشرتی بدهد. شرایط حاکم بر اردوگاههای مهاجران روسی در بیت المقدس - که توسط پلیس اداره می‌شود و شامل خانه‌هایی برای نگهداری زندانیان معمولی، زندانیان سیاسی و بازداشتیها نیز هست، در سال ۱۹۹۷ از جهت عدم تناسب برای نگهداری زندانیها مورد انتقاد هارون باراک، رییس دیوان عالی کشور اسرائیل قرار گرفت. متعاقب آن در بعضی موارد، اصلاحاتی صورت گرفت که از جمله به زندانیها، وقت هواخوری بیشتری داده شد، ولی امکانات رفاهی به صورت حداقل باقی ماند و در ملاقات با بستگان نیز محدودیتهای فراوانی اعمال شد...»

«... گروههای حامی کودکان، همواره نگرانی خود را از بابت بخشهای ویژه نگهداری کودکان بازداشتی ابراز کرده‌اند. در این بخشها، مهمترین مسایل عبارتند از: تعداد کودکان بیش از حد ظرفیت؛ شرایط نامساعد نگهداری آنان؛ فقدان کارگران خدمتگذار و ممانعت از ملاقات والدین با کودکانشان.»

«... در ماه سپتامبر ۱۹۹۹، دولت اسرائیل اعتراف کرد که در گذشته، عده‌ای از

کارمندان لبنانی و نگهبانان زندان «الخیام» واقع در جنوب لبنان را آموزش می‌داده و به آنها حقوق می‌پرداخته است که از قرار معلوم، در این زندان، شکنجه زندانیان، امری رایج بوده است.

بعداً و متعاقب خروج ارتش اسرائیل از سرزمینی که آن را «کمر بند امنیتی» خود می‌دانست، چون ارتش جنوب لبنان [وابسته به اسرائیل] نیز فروپاشید، تمام زندانیان الخیام آزاد شدند...

«... اواخر سال ۲۰۰۰، دولت اسرائیل ۱۸۳۲ فلسطینی را در زندانها نگه می‌داشت که مخلوطی بودند از زندانیهای عادی، مجرمین اداری و همچنین، مجرمین امنیتی. از میان اینها، دولت اسرائیل به ماموران صلیب سرخ بین‌المللی اجازه نداد از وضع و حال یک تبعه لبنانی به نام مصطفی دیرانی (که از سال ۱۹۹۴ بدون محاکمه در زندان بسر می‌برد) مطلع شوند و نیز در مورد شیخ عبید (که از سال ۱۹۸۹ بدون محاکمه زندانی بود) برای اولین بار در دسامبر ۱۹۹۹ به ماموران صلیب سرخ اجازه ملاقات داد، ولی متعاقب اسارت چند نفر از پرسنل ارتش اسرائیل توسط چریکهای حزب الله در ماه اکتبر ۲۰۰۰، دولت اسرائیل برنامه ملاقاتهای ماموران صلیب سرخ با شیخ عبید را به حال تعلیق درآورد...»

«... بر اساس گزارشهای سازمانهای حقوق بشر، سیستم حاکم بر اسرائیل به گونه‌ای است که معمولاً در امر مجازات اتباع خوداستثنا قایل می‌شود. چنان که مثلاً در مورد اتباع مسیحی و مسلمان و دروز، مجازاتهایی در نظر می‌گیرد که به مراتب سخت‌تر از مجازات اتباع یهودی است و آن طور که مدافعان حقوق بشر ادعا کرده‌اند: در اسرائیل معمولاً اتباع عرب به مراتب بیش از اتباع یهودی، متهم به قتل (و در نتیجه محکوم به حبس ابد) می‌شوند...»

«... قانون اسرائیل بر مسئله آزادی مطبوعات تصریح دارد و دولت نیز خود را ملزم می‌داند در عمل به حق آزادی مطبوعات احترام بگذارد. با این حال، همان قانون به دولت اسرائیل اختیار داده که هر خبر مربوط به اسرائیل و مناطق اشغالی را که مغایر با مصالح امنیت ملی بداند، سانسور کند. در این مورد یک روزنامه فلسطینی می‌گوید: هر روز قبل از ساعت ۴ بعدازظهر باید تمام مطالب آماده چاپ خود و حتی آگهیها را به مرکز سانسور ارتش

ارایه کند. بنابراین ادعای سردبیر این روزنامه: پیروی از چنین شیوه‌ای باعث شده که نویسندگان روزنامه دچار خودسانسوری شوند. بر همین اساس، بسیاری از روزنامه نگاران به خاطر محدودیتهایی که موجب جلوگیری از آزادیهای آنان در انعکاس اخبار مناطق اشغالی بود، شاکی هستند. همچنین بر اساس خبر منتشره در یکی از این روزنامه‌ها: بیش از دوازده خبرنگار که مشغول تهیه گزارش از حوادث ماههای اکتبر و نوامبر در مناطق اشغالی بودند، مورد حمله قرار گرفتند و مجروح شدند. روز ۵ اکتبر نیز در جریان تظاهرات شهر جافا، اسرائیلی‌های تظاهرکننده در خارج محوطه‌ای که توسط نیروهای دولتی حفاظت می‌شد به گروهی از گزارشگران خارجی حمله کردند و ضمن مجروح کردن چندتن، سه دوربین آنها را شکستند... □





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی